

# اصول، مفقود، ادعای موجود

## هشدار به آخرین ولیعهد

مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند  
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند  
کاملاً غیراصولی باشد  
بخش پنجم

امیرفیض- حقوقدان

### جبران تاسف، متاسف

< رودخانه ها آب به دریا میریزند و آب های گندیده به گودال ها >

در جریان جنجال نامه هشدار، ایرانیار آقای غلامعلی امیرابراهیمی لایحه ای انتشار داده که واجد نکاتی قابل تامل است که نقد آنها میتواند مکمل تحریر <اصول مفقود و ادعا موجود> محسوب شود.

نخست احساس تاسف و حسرت دارند که از امضا کنندگان نامه هشدار نیستند. تاسف ایشان وارد نیست زیرا همین لایحه ایشان نشانه ورود به نامه هشدار و مشارکت در نفرین اعلیحضرت است و از آنجا که همراهان نامه هشدار هیچیک امضا نکرده اند و فقط اسمشان چاپ شده لذا اعلام گرایش و موافقت با نامه مزبور بهر طریق، بمنزله همراهی و تائید تلقی میگردد و نیازی به امضاهم ندارد.

بنابراین تائید نامه مزبور، شامل کلیه مفاد نامه و خاصه حکم نامه، یعنی ضمانت اجرایی نامه هم هست و در کلامی روشن؛ شاهزاده خودتان را در جرگه دشمنان وجودی ایران قرار داده اید؛ آیا همچنان متاسف هستید که در این نفرین آشکار و حکم قلع و قمع ایشان بعنوان یک دشمن وجودی ایران شرکت نکرده اید؟

شما که فرق بین انتقاد ربا اتهام میدانید چرا احتجاج دارید در حمایت از نامه هشدار که نام بی مسائی است و حقیقت و ماهیت آن حکم از مرجعی نامشخص و نامعلوم \* و با مجازاتی بسیار سنگین است آیا وجدان سیاسی شما شاهزاده خودتان را دشمن وجودی ایران میدانند؟ آیا فراموش کرده اید که دشمن وجودی ایران یعنی چه؟

❖ صادرکنندگان نامه هشدار که در واقع صادرکنندگان حکم محکومیت و مجازات شاهزاده! (در نظر خودشان) هستند نباید قاعدتا خود را معرفی کنند، زیرا عوارض متوجه بر حکم یک اقدام جنائی است و معمولاً این امور آشکارا صورت نمیگیرد.

یک جامعه منور اجتماعی، یک جامعه حقوقی اصولی بادشمن وجودی ایران چه میکند؟ کسی که با وجود موجودیت ایران دشمن باشد کجا لیاقت زنده بودن و ایرانی بودن را دارد؟ (حقوق کیفری).

در بیت مشهور فردوسی که «همه سربسرتن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم» همین را گفته که برای حفظ موجودیت وجود ایران اگر همه هم تن به کشتن دهیم کم است.

آیا باز هم نامه هشدار <یک بیانیه بسیار منطقی است>؟! (از نامه آقای امیرابراهیمی). در سالهای بعد از شورش ۵۷ فحاشی ها و اتهامات بسیاری به شاهنشاه ایران و خانواده سلطنتی از سوی شورشیان داده شده یک نمونه بیاورید که ازواژه <دشمن وجودی ایران استفاده شده باشد. ضمانت اجرای آن حکم (نامه هشدار) قتل به جرم **مخالفت با موجودیت ایران است** باز هم متاسف هستید که آنرا امضا نکرده اید؟

وانگهی نامه هشدار یک کار فوق العاده ای نیست که آقای غلامعلی امیرابراهیمی و یا هر کس دیگر متاسف باشند، که چرا براه آن نرفته است، خیلی، خیلی ساده است یک نامه هشدار هم آقای امیرابراهیمی بنویسد و قدری بیشتر هم به اعلیحضرت اتمام حجت با تفهیم اتهام بنماید و هم خودش امضا کند و هم گروهی بیشتر از آن پنجاه و چند تن. کاری را که انسان خودش میتواند بکند و کسی هم جلوییش را نگرفته که کوتاهی در آن جای تاسف ندارد.

بهر حال برخلاف انتظار، اجازه میخواهد که اتصال و ورود آقای امیرابراهیمی رابه این منجلاب و گودال خوشآمد نگویم.

ممکن است گفته شود کسانی که وارد حمایت از نامه هشدار شده اند از مسیر اعتماد و بدون دقت کافی به مراتب نامه، هوادار شده اند ولی پس از گذشت این مدت و تحریراتی که به آن نامه وصل شده، نمیشود گفت کسانی که بعد از آن جریانات تاسف میخورند که چرا نامه را امضا نکرده اند از مدلول و مفهوم نامه آگاهی کامل نداشته باشند.

### فرصت مناسب

نامه آقای امیرابراهیمی خاصه اعلام پیوست ایشان با نامه هشدار آنها با افتخار فرصتی است که از ایشان دعوت شود به ابهاماتی که نامه خودشان بوجود آورده است بذل راهنمایی بفرمایند.

### ابهامات در نامه اظهار تاسف ایشان

#### پیشنهاد کلکتو

◀ آقای غلامعلی امیرابراهیمی با ادعای نادرست اینکه اعلیحضرت (البته در کلام شاهزاده) هیچگاه گفتگوی چند جانبه نداشته و همواره مصاحبه هائی محدود داشته پیشنهاد جبران گذشته را در قالب «کلکتیو» دارند.

این توجه لازم است که برخلاف ادعای ایشان اعلیحضرت سالهای متمادی جلسات گفتگو با ایرانیان لوس آنجلس خاصه مسئولین رسانه های گروهی که قطب و سردمداران مبارزه محسوب میشدند داشته اند و همانطور که در تحریرات قبلی اشاره شده بیش از ۱۵ شماره سندر به بحث و گفتگوهای صاحبان

**رسانه و فعالین سیاسی و مبارزاتی ایرانیان با اعلیحضرت و گفتگوی تلفنی با ایرانیان داخل کشور اختصاص یافته است.** اگر آن گفتگوها به جانی نرسیده و نخواهد هم رسید ناشی از فرهنگ ایرانی است که بغیر از پادشاه و آخوند اعظم برای کسی اعتبار کلی و جامع قائل نیست و روانشناسی ما ایرانیان براین اصل است که ایرانی هیچ ایرانی را قبول ندارد و از آنجا که شاهزاده رضا پهلوی! و یا آقای رضا پهلوی در مقام و موقعیت سلطنت نیست لذا نه حضور در گفتگوهای جمعی و نه ریاست شورا و فعالیت های سیاسی ایشان کوچکترین اثر مثبتی ندارد که در ۳۵ سال گذشته هم نداشته.

همین مهم است که وزارت خارجه آمریکا با اجرای طرح هنری برشت مانع تداوم سلطنت ایران شد و با تبدیل شاه به شاهزاده و رضاپهلوی سیستم فرهنگی و منش ایرانی را نسبت به رهبری پادشاه قطع کرد و برای ایرانیان یک پایگاه مجازی غیراصولی و غیرقابل قبول سنت ایرانی جایگزین پادشاه ساخت و ایرانیان خارج از کشور هم با آنکه از درک این برنامه و تحمیل آن از سوی وزارت خارجه آمریکا غافل نماندند و در جریان آگهی قرار گرفتند (سنگرها و تحریرات) معهذاً به دلیل وابستگی فکری و خدماتی به آمریکا راه سکوت را انتخاب کردند. در لایحه آقای امیرابراهیمی یک اشاره بسیار سربسته تحت عنوان <دام کشورهای بیگانه> دیده میشود که قطره ای در مقابل دریا هم حساب نمیشود.

### عدم آگاهی و شهادت

آقای امیرابراهیمی عدم موفقیت ایرانیان در اثرگذاری بر مواضع سیاسی شاهزاده! را <عدم آگاهی و شهادت مبارزان> دانسته و اظهار خوشبختی کرده که <اولین گام اساسی از سوی نامه هشدار و آن ۵۴ نفر> برداشته شده است.

یعنی در طول سالهای مبارزه، ایرانیان مبارز شهادت نداشتند ولی این عده که تعدادی از آنها از بی پرنسب ترین و ریاکارترین ایرانیان هستند شهادت و آگاهی کامل دارند.<sup>۱</sup>

ایشان چیزی از سابقه مبارزه و فعالیت ایرانیان برون مرزی نمیدانند که چنین اتهامی (نبود شهادت) را متوجه آنان میسازد خود ایشان نوشته که کوششهای مبارزاتی ایشان از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است. پس چه صلاحیتی دارد که نسبت به مبارزانی که از سال ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ فعال مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بازگشت سلطنت بوده اند اظهار نظرهای کوتاه نظرانه کنند!؟

### اقدام علیه شاهزاده

**چند جا در لایحه آقای غلامعلی امیر ابراهیمی از اقدام علیه شاهزاده تاکید شده است. اگر مقصود از**

**اقدام علیه شاهزاده! اقدام فیزیکی است که بله چنین عملی انجام نداده اید ولی اگر اقدام سیاسی**

**و اجتماعی و حقوقی باشد، صد البته که کرده اید هم تفهیم اتهام کرده اید و هم تعیین مجازات که**

**در صورت عدم تمکین به حکم یعنی برائت از آنچه عنوان تفهیم اتهام دارد گرفتار مجازات در حکم**

<sup>۱</sup> - بنا به گفتگوی آقای کمالی با آقای پرویز قاضی سعید، یکی دیگر از آن ۵۲ تن از آن گروه بی پرنسب جدا شد. ح-ک

**خواهند شد. فقط شانس که در حکم وجود دارد این است که حکم تعلیقی مجازات، مدت ندارد  
والاما ایرانیان باید در بایان مدت ناظر اجرای حکم توسط آن ۵۴ نفر نسبت به شاهزاده! با حضور  
آقایان امید دانا و امیر ابراهیمی و خانم رکسانا گنجی باشیم.**

**پیشنهاد تشکیل نشست حقیقی**

در نامه، با التیماتوم، پیشنهاد تشکیل یک نشست حقیقی! بوسیله شاهزاده! ظرف یکماه آینده شده است. پیشنهاد مزبور از ناحیه کسی که نامه هشدار را تائید و > آنرا اولین گام سیاسی که دارای پیامد های مهم سیاسی و بویژه درنگرش آینده سیاسی شاهزاده خواهد داشت< (از نامه آقای امیر ابراهیمی) نه معقول است و نه موجه و نوعی موازی سازی و خود محوری است.

آقای غلامعلی امیر ابراهیمی که خودشان را مفتخر در قرار گرفتن کنار آن ۵۳ نفر میدانند لابد از تبعیت برنامه هشدار خواهند بود یعنی تفهیم اتهام و اجرای ضمانت اجرای آن علیه شاهزاده! و دیگر نمیتوانند خودشان راه دیگری را برگزینند و این را میگویند موازی سازی و رودست نامه هشدار بلند شدن و خیانت به ولینعمت. وانگهی در صورتی که شاهزاده! پیشنهاد ایشان را پذیرفت و راهی بغیر از راه نامه هشدار مورد تصدیق قرار گرفت تکلیف نامه هشدار با آن ضمانت اجرا چه خواهد شد؟ و شاهزاده! باید به کدام ساز برقصد؟

**آخرین ابهام و مهمترین**

در نامه آقای غلامعلی امیر ابراهیمی آمده است: > معتقدم \*۱ با مقام و تعهدی که شاهزاده به ایران و ایرانیان دارد \*۲ و با تمام فشارها و محدودیت ها شاهزاده \*۳ وظیفه دارد که شجاعانه با مردم به گفتگو به پردازد ۴-۵\* <.

\*۱- مبنای اعتقاد شما بر اینکه شاهزاده مقام و تعهدی به ایران دارد چیست؟؟

\*۲- مقامی که شما به آن اشاره کرده اید مبنای قانونی و حتی سنتی آن کجاست؟؟

\*۳- عنوان قانونی تعهدی که شما به آن تمسک جسته اید چیست؟؟

\*۴- فشارها و محدودیت های شاهزاده کدام است و آیا رفع آن فشارها در حیطه اقتدار ایشان هست یا خیر؟؟

\*۵- در کدام نص و یا سنتی هست که اعلیحضرت تکالیفی دارد که از آن جمله باشد با مردم صحبت کردن آنهم شجاعانه (صحبت منطقی و اصولی شنیده ام ولی صحبت شجاعانه خیر).